



همسایگان خورشید (عالمان خفته در خاک مشهد)

از زمان خاکسپاری امام رضا(ع) در باغ حُمیدبن قحطبه و پیدایش آرام آرام شهری به نام مشهد، نامداران فراوانی سر بر آستان حرم نهاده و آن را شهر هزار مزار ساخته‌اند...

از زمان خاکسپاری امام رضا(ع) در باغ حُمیدبن قحطبه و پیدایش آرام آرام شهری به نام مشهد، نامداران فراوانی سر بر آستان حرم نهاده و آن را شهر هزار مزار ساخته‌اند، که اینک جز شماری اندک، نشانی از آنان در رواق‌ها و صحن‌های حرم نمایان نیست و می‌سزد که نام و یاد آنان، به گونه‌ای، برای بازدیدکنندگان زنده بماند و برگ‌های دفتر تاریخ زندگانی آن مشاهیر برای امروزیان گشوده شود تا خاطرات تلخ و شیرینشان، بیش از این، در تاریک‌های زمان به بی‌رنگی نگراید.

شبکه امام رضا(ع) به همین منظور بر آن است تا در حد توان یادکردی از این همسایگان خورشید را در پایگاه خود بیاورد و خوانندگان و زائران گرامی را با شمه‌ای از زندگانی آنان آشنا سازد.

1- آشتیانی - مرتضی (1281 1365 ق)

آیةالله حاج شیخ مرتضی آشتیانی فرزند آیةالله حاج میرزا محمدحسن، از علمای نامور سده چهارده هجری است. وی همزمان با درگذشت شیخ مرتضی انصاری (استاد پدرش) به دنیا آمد، و از همین رو، مرتضی نام گرفت. مقدمات و سطوح درسی را نزد پدر آموخت، دوره فقه و اصول را در نجف اشرف نزد میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزا حسین نوری و حاج میرزا خلیل و آخوند خراسانی گذراند و در اخلاق از شاگردان شیخ محمد بهاری بود.

همزمان با انقلاب مشروطیت به تهران بازگشت و در حوادث مسجد شاه و رخدادهای بانک روس و لغو امتیاز آن، نقش آفرین بود؛ به همین دلیل، به فرمان عین‌الدوله از تولیت مدرسه خان مروی و امامت مسجد خازن‌الملک برکنار شد.

سال 1340 ق. به مشهد آمد و به تدریس و اقامه جماعت پرداخت و به سال 1353 ق (1314 ش) در پی رویداد مسجد گوهرشاد، مشهد را ترک کرد و به زاویه‌ای در حرم حضرت عبدالعظیم رفت. با فروپاشیدن دولت رضاخان، در سال 1360 ق به عتبات کوچید و دو سال در کربلا تدریس کرد، اما به دلیل بیماری به ایران بازگشت و در مشهد ماندگار شد و سرانجام در سال 1365 ق در سن 84 سالگی درگذشت و در رواق دارالسعادة، پایین پای ضریح منور امام رضا(ع) دفن شد.

2- آقابزرگ حکیم - محمدتقی (م 1315 ش)

محمدتقی میرزا عسکری، معروف به آقابزرگ حکیم، فرزند میرزا ذبیح‌الله و نوه میرزا مهدی شهید دروس ابتدایی را در مشهد فرا گرفت و برای ادامه تحصیل و شرکت در دروس حکیم نامور میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا هاشم گیلانی اشکوری راهی تهران شد.

در اوج جنبش مشروطه به نجف رفت و بر آخوند خراسانی وارد شد و در محضر وی به شاگردی نشست و پس از فراگیری دروس وی، در سال 1292 ش به مشهد بازگشت و 23 سال باقیمانده عمر خود را در این شهر ماند و در خانه به تدریس آموخته‌های خود پرداخت و بزرگانی همچون حاج آقا حسین قمی، میرزا محمد آقازاده، سید محمدتقی مدرس رضوی، حکیم الهی قمشه‌ای، حاج شیخ محمود حلبی، حاج شیخ مجتبی قزوینی و دیگران در شمار درس‌آموزان او بودند. آقابزرگ به صراحت لهجه، آزادمنشی و وارستگی نامور بود، تند صحبت می‌کرد، در شبانه‌روز به یک وعده خوراک بسنده می‌کرد و کرامت انسانی خود را با چیزی معامله نکرد. وی در جمادی الثانی سال 1355 ق برابر با 1315 ش. در مشهد درگذشت و بنا به وصیت خود، در دامنه شرقی کوهسنگی به خاک سپرده شد.

3- آملی - محمدتقی (1304 1391 ق)

آیةالله حاج شیخ محمدتقی آملی فرزند آیةالله حاج شیخ محمد بن علی، از علمای نامدار عصر حاضر است که سال‌ها در تهران به خدمات علمی و فرهنگی پرداخته است. وی به سال 1304 ق، در سالروز ولادت امام رضا(ع) در تهران زاده شد و در همان جا به تحصیل پرداخت. در سال 1339 ق به نجف رفت و چهارده سال از محضر بزرگانی همچون نایینی و اصفهانی و فیروزآبادی و کمپانی و عراقی بهره برد. سال 1352 ق به تهران بازگشت و در مسجد مجدالدوله به اقامه جماعت پرداخت و در منزل خود کرسی تدریس داشت.

در روز 29 شوال 1391 ق پس از اقامه دو رکعت نماز و سلام به مولایش اباعبدالله (ع)، در تهران به رحمت ایزدی رفت و پیکرش به مشهد مقدس انتقال یافت و در باغ رضوان، در جوار مرقد امام رضا (ع) به خاک سپرده شد. این قبرستان (در حد فاصل خیابان‌های طبرسی و شیرازی) اینک تخریب شده و در شمار بناهای اطراف حرم مطهر قرار گرفته است.

4- آملی - ضیاءالدین (1283 1361 ش)

آیةالله حاج آقا ضیاءالدین آملی فرزند آیةالله حاج شیخ محمد تقی، از دانشمندان وارسته دوران معاصر است. وی در تهران زاده شد و

همراه پدر به نجف رفت و در محضر بزرگانی چون آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسن نایینی، آقا ضیاء عراقی و دیگران زانو زد و در سی سالگی به اجتهاد رسید.

پس از ازدواج با دختر آیه‌الله حاج آقا حسین قمی به ایران بازگشت و در تهران و آمل به تدریس و تبلیغ و تربیت نفوس پرداخت. به نمایندگی از آیه‌الله بروجردی به مصر رفت و برای راه‌اندازی کرسی درس فقه شیعه در دانشگاه الازهر تلاش بسیاری کرد، ولی از آن جا که توفیقی برای این کار نیافت به تهران بازگشت.

در کهن‌سالی از سفر باز نمی‌ایستاد و همواره برای عرض ارادت به پیشگاه امام رضا(ع) راهی مشهد می‌شد. در اوج انقلاب اسلامی ایران، از هیچ کوششی برای پیروزی آن دریغ نکرد. در سال 1402 ق (1361 ش) پس از مدت درازی بستری شدن در تهران، درگذشت و پیکرش پس از انتقال به مشهد مقدس، در ایوان طلای حرم مطهر امام رضا(ع) مدفون شد.

5- آیه‌الله زاده خراسانی - مهدی (1292 - 1364 ق)

میرزا مهدی معروف به آیه‌الله زاده خراسانی، فرزند آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در نجف به دنیا آمد. استاد مقدمات و سطح وی شیخ زین العابدین شاهرودی بود و چندی نیز در درس پدر حضور یافت و در سال 1319 ق به ایران آمد و مورد استقبال مردم واقع شد. با مظفرالدین شاه دیدار کرد، به مشهد آمد و پس از آن به نجف بازگشت و در آغاز جنبش مشروطه، برای استقرار آن کوشش فراوان کرد. به سال 1327 ق و پس از اولتیماتوم روس، آماده حرکت از نجف شد که با درگذشت ناگهانی پدر، مجبور شد جامه عزای تن کند و همراه علما و مردم از نجف بیرون آید، به کاظمین برود، از سوی علمای بزرگ عصر خود به ریاست هیأتی برگزیده شود که میرزای حسین نایینی و شیخ عبدالحسین رشتی و سید ابوالحسن اصفهانی و دیگران عضو آن بودند، و برای همکاری با دولت ایران در بیرون راندن روس‌ها راه تهران را در پیش گیرد. اما با پیامی که در کاظمین دریافت کرد و آگاهی یافت که قشون روس بیرون رفته است، همه افراد هیأت به نجف بازگشتند.

وی در سال 1342 ق در جریان اعلان جنگ علمای عراق با انگلیس، همراه علمای تبعیدی به ایران آمد و پس از چندی، به بغداد بازگشت و با ملک فیصل اول، پادشاه عراق دیدار کرد و امکان مراجعت علما را فراهم ساخت. به سال 1324 ق، در آخرین سفر به ایران، بیمار شد و در تهران درگذشت، پیکرش را به مشهد آوردند و در رواق دارالسعادة حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپردند.

6- ابن ابی جمهور احسائی - محمد (زنده تا سال 904 ق)

محمد بن زین‌الدین بن علی بن ابراهیم بن حسام‌الدین بن ابی‌جمهور احسائی، از علمای نامدار شیعه در احساء به دنیا آمد و در همان جا به تحصیل آغازید. سپس به نجف اشرف کوچید و نزد اساتید آن دیار به فراگیری علم پرداخت و سال 877 ق راهی حج شد، آن گاه چندی در شام ماند و همچون دانشمند هم‌عصر خویش محقق کرکی، از محضر شیخ‌الاسلام علی بن هلال جزایری سماع حدیث کرد و سرانجام به خراسان آمد.

وی در فقه و حدیث و کلام تخصص داشت و صوفی‌مشرب بود و کتاب‌هایی در این زمینه نوشت؛ زادالمسافرین و شرح آن کشف البراهین از آثار اوست که در مشهد نوشته است. وی گفت‌وگو‌هایی با فاضل هروی، یکی از علمای عامه داشته، که شرح آن در کتاب مناظره ابن ابی‌جمهور آمده است. به رغم تبحر وی در فقه و کلام و حدیث، همواره مورد اعتراض گروهی از بزرگان فقهای شیعه بود؛ شاید بیشتر از آن رو که به تصوف گرایش داشت و از بازگویی روایات عامه خودداری نمی‌کرد. وی در سال 896 ق، برای آخرین بار به مشهد آمد و پس از فوت، در کنار مرقد منور امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

7- ادیب نیشابوری - عبدالجواد (1281 - 1344 ق)

میرزا عبدالجواد در بیژن‌گرد، از روستاهای نیشابور زاده شد، در کودکی چشم راست خود را از دست داد، اما با قدرت حافظه خود دانش‌آموزی را شروع کرد و به تشویق پدرش ملاحسین، ابتدا راهی نیشابور شد، و در سال 1297 به حوزه مشهد آمد. ابتدا در مدرسه خیرات‌خان، آن گاه در مدرسه فاضل‌خان و سرانجام در مدرسه نواب ساکن شد و بسیاری از کتب را بدون استاد فرا گرفت و فقه و اصول و حکمت و کلام را در محضر اساتید آموخت و به نیشابور بازگشت، اما با درگذشت پدر، در سال 1310 ق بار دیگر راهی مشهد شد و تا پایان عمر در مشهد ماند.

وی انسانی سخت‌کوش بود و با این که از بینایی اندکی بهره داشت، هرگز مطالعه را وانهاد و گاه تا سپیده صبح از خواندن دست نمی‌کشید. دانسته‌های ادبی و تاریخی او دیگران را شگفت‌زده کرده بود، در حکمت الهی و طبیعی، اندیشه‌های ملاصدرا را می‌پسندید، در نجوم و جبر و مقابله و حساب و هندسه نیز از دانایان بود و با تئوری‌های موسیقی نیز آشنایی داشت. او تمام قاموس و برهان قاطع را از حفظ داشت و افزون بر دوازده هزار بیت از سروده‌های شاعران عرب جاهلی را به خاطر سپرده بود و هر شعری را با همان حال و هوای سرایش و با لهجه‌ای دلنشین و سحرانگیز می‌خواند.

قناعت و مناعت طبعش زبانزد بود، همسر نگزید و زندگی را تنها به پایان برد. زندگی سامان‌یافته‌ای داشت و برای هر کار، از جمله تشریف به حرم مطهر امام رضا(ع)، برنامه خاصی تدوین کرده بود. در بیشتر درس‌های او فراتر از سیصد دانش‌اندوز شرکت می‌کردند. چهره‌های برجسته‌ای همچون ملک‌الشعراى بهار، بدیع الزمان فروزانفر، محمد پروین گنابادی، محمد تقی مدرس رضوی، محمود فرخ، محمد تقی ادیب، محمد علی بامداد، سید جلال‌الدین تهرانی، سید حسن مشکان طبسی، که هر یک در زمینه‌ای آوازه یافته‌اند، در شمار شاگردان مکتب ادبی او بودند. توجه وی به رخدادهای سیاسی روزگارش، در اشعاری که از او به جا مانده بازتاب یافته است.

بیماری او را از حجره و مدرسه جدا کرد و تا پایان عمر شصت و سه ساله‌اش در بیمارستان خوابید. هنگامی که یکی از شاگردانش به درخواست او، معلقه امرؤالقیس را بر بالینش می‌خواند و او خود آن را زمزمه می‌کرد، در صبح روز جمعه ششم خرداد 1305 ش، برابر با 15 ذی‌قعدة 1344 ق درگذشت و پیکرش در پای دیوار غربی رواق دارالسیاده حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

8- ادیب نیشابوری - محمدتقی (1315-1396 ق)

شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، مشهور به ادیب دوم فرزند اسدالله، در خیرآباد، از بلوک عشق‌آباد نیشابور به دنیا آمد. نخست از پدر خواندن و نوشتن آموخت، و در 18 سالگی به فرمان پدر راهی مشهد شد، و از محضر شیخ عبدالجواد ادیب اول، بهره فراوان برد و در آموختن ادبیات عرب، فارسی، منطق، فلسفه، ریاضیات، تفسیر، حدیث، رجال، فقه، اصول، طب، علوم غریبه و علوم جدید، رنج بسیار کشید.

در سال 1341 عنوان مدرّسی آستان قدس را پذیرفت و هفت سال در آرامگاه شیخ بهائی بر کرسی تدریس نشست اما از آن گاه که پایش آسیب دید، در منزل درس می‌داد.

انسانی آزاده و عارف مسلک بود و به امور دنیوی هیچ اعتنایی نداشت و از تملق و چاپلوسی به شدت دوری می‌جست. وی در 21 آذر 1355 ش برابر با 20 ذی‌حجه 1396 ق، در 81 سالگی بدرود حیات گفت و در زاویه غربی صحن عتیق (انقلاب) دفن شد.

شرح حال مفصلی از او را در این‌جا بخوانید.

9- اردبیلی - سید یونس (1296-1377 ق)

آیة‌الله حاج سید یونس اردبیلی، فرزند سید محمدتقی در اردبیل به دنیا آمد و پس از آموختن مقدمات درسی در شهر خود، به زنجان رفت و در حدود سال 1310 ق راهی نجف شد و همزمان با پیگیری جنبش مشروطه، در محضر آخوند خراسانی و دیگر بزرگان به تحصیل پرداخت. سپس به کربلا رفت تا به درک محضر میرزا محمدتقی شیرازی نایل شود. در آن جا مورد توجه استاد قرار گرفت و ابتدا رسیدگی به امور طلاب و آن گاه سرپرستی امور حوزه نجف به وی واگذار شد. در سال 1348 ق دچار چشم‌درد شد و به اردبیل بازگشت و پنج سال پس از آن به مشهد آمد و به تدریس و اداره امور دینی شهر پرداخت.

در رویارویی با جریان کشف حجاب، خانه وی کانون برنامه‌ریزی علمای شهر بود و پس از رخداد مسجد گوهرشاد هم آخرین نشست عالمان مشهد در 23 خرداد 1314 ش در منزل وی برپا شد. پس از همان جلسه بود که او و تنی چند از علمای شهر بازداشت و راهی تهران شدند.

پس از آزادی به اردبیل بازگردانده شد و با فروپاشی دولت رضاخان در شهریور 1320 ش برای ایستادن در برابر فعالیت‌های توده‌ای‌ها به مشهد بازگشت. در جریان نهضت ملی شدن نفت نیز خانه وی محل گردهمایی و آمدوشد فعالان سیاسی بود. پس از یک سفر به نجف و حضور در محافل علمی آن حوزه و بازگشت به تهران و چندی ماندن در بستر بیماری، در تهران درگذشت و جنازه‌اش به مشهد آورده شد و در رواق دارالسعاده مدفون گردید.

10- اصفهانی نخودکی - حسنعلی (1279-1361 ق)

حاج شیخ حسنعلی مقدادی اصفهانی، معروف به نخودکی فرزند ملاعلی اکبر در اصفهان زاده شد. با همت پدر، سحرخیزی و راز و نیاز سپیده‌دمان را آموخت و از پانزده سالگی تا پایان عمر، سه ماه رجب و شعبان و رمضان و همه ایام البیض را روزه می‌گرفت و شب‌ها را تا صبح زنده می‌داشت.

زبان و ادب عرب را در اصفهان فرا گرفت و فقه و اصول و منطق و فلسفه را نزد آخوند ملا محمد کاشی و میرزا جهانگیرخان قشقایی آموخت، تفسیر را در محضر حاج سید سینا پدر سید جعفر کشفی و تنی چند از دانشوران بزرگ عصر خود شاگردی کرد و در سال 1303 ق راهی مشهد شد تا یک سال را در این شهر بماند. پس از آن برای ادامه تحصیل راه نجف را در پیش گرفت و و تا سال 1311 که بار دیگر برای سه سال به مشهد آمد در آن جا بود.

در مشهد، روزها را به شرکت در جلسات درس علما می‌گذراند و شب‌ها را به بیتوته در حرم مطهر امام رضا(ع) و ختم قرآن مشغول بود. وی بر این باور بود که همه دانش‌ها را باید آموخت و حرمت برخی از فنون به معنی منع از استفاده از آنها و نه به مفهوم حرمت فراگیری آنهاست. بازگشت به حوزه نجف، سفر به اصفهان و کوچیدن به شیراز برای آموختن کتاب قانون ابن‌سینا از محضر حاج میرزا جعفر طبیب از دیگر حوادث سال‌های زندگی اوست. یک سال از مسیر بوشهر راهی سرزمین وحی شد، و به محض پیاده شدن از کشتی، پیاده راه مدینه راه در پیش گرفت، از آن جا احرام بست و پیاده به مکه رفت تا حج گزارد. سال 1329 ق که به مشهد آمد تا آخر عمر در این جا ماند و برای رفع نیازهای معنوی مردم کوشید. باری که از او خواسته شد تا برای مراجعات مردم وقتی تعیین کند، پاسخ داد: ««لیس عند ربنا صباح و لا مساء؛ آن کس که برای رضای خدا به خلق خدمت کند، نباید وقت معین کند».

پی از ابتلای به بیماری، نخست به بیمارستان و آن گاه به دلیل درخواست‌های پیاپی مردم برای ملاقات و عیادت، به منزل یک از نزدیکان خود رفت و یک ماه آخر عمر را در آن جا ماند و سرانجام در روز 17 شعبان 1361 ق برابر با 1321 ش در 82 سالگی درگذشت و پیکرش در کنار ایوان عباسی صحن عتیق (انقلاب) دفن شد.

کرامات این انسان وارسته جایگاه والایی را در چشم مردم مشهد به او داده بود. روز ارتحالش که مصادف با ایام اشغال خراسان به دست نیروهای شوروی بود، تمام شهر تعطیل بود و حالت فوق‌العاده اعلام شد و سربازان روسی سراسر مسیر تشییع جنازه او از

سزمنند تا حرم مطهر را زیر نظر داشتند.

11- انصاری - محمود (1305-1377 ش)

حاج شیخ محمود انصاری فرزند میرزا فضل الله در مشهد متولد شد. پدرش کاسبی متدین و زهدپیشه بود. پس از آموختن دروس ابتدایی به توصیه مرحوم میرزا مهدی اصفهانی، برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه شد و درس‌های خود را از شاگردی نزد حاج شیخ زین العابدین تنکابنی آغاز کرد و سپس در نزد بزرگان حوزه زانو زد و ادبیات و اصول و فقه و معارف را در نزد آنان آموخت. با حضور آیه الله میلانی در مشهد، از شاگردان درس خارج ایشان شد و همزمان، به تدریس آموخته‌های خود پرداخت. حافظه قوی و جاذبه سخن وی سبب شد که علمای مشهد از وی بخواهند که به وعظ و خطابه روی آورد، با پرداختن به این امر به شهرتی فراوان دست یافت و در مجالس بزرگ مذهبی مشهد که در بیوت علمای شهر برگزار می‌شد به سخنرانی می‌پرداخت. او که انسانی وارسته، خداترس، بااخلاص، پشتیبان ولایت بود و طبعی بلند داشت، بیش از پنجاه سال در این شهر به هدایت و ارشاد مردم و تبیین معارف والای اهل بیت (ع) مشغول بود و سرانجام در پس یک دوره طولانی بیماری، روز سوم بهمن 1377 دار فانی را وداع گفت و در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

12- بجنوردی - محمد تقی(م 1314 ق)

او اهل بجنورد بود و برای تحصیل علوم دینی به نجف رفت و نزد صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری فقه و اصول را فرا گرفت و به مشهد آمد. به نوشته اعتماد السلطنه، مردم ولایت خراسان اعتماد عجیبی به وی داشتند. حاج سیاح هم در خاطرات خود از تقوا و ورع او تجلیل بسیار کرده است.

در جریان نهضت تنباکو، بیت شیخ قطب معنوی آن روز خراسان شمرده می‌شد، با این حال ایشان چندان که باید با گسترش نهضت موافق نبود و شرایط را مناسب نمی‌دید. شاید از دسایس دولت‌های بیگانه که نمایندگی‌های فعالی در خراسان داشتند، بیمناک بود. خانه او در ابتدای خیابان شیرازی مشهد، در کوچه‌ای به نام خود وی، تا همین چند سال پیش محل برگزاری پرشورترین مجالس روضه‌خوانی در ایام عاشورای حسینی بود؛ اما با تخریب آن در جریان توسعه حریم حرم، اکنون نام وی بر حسینیه‌ای در خیابان سجادی مشهد نهاده شده است. وی شب چهاردهم صفر 1314 ق زندگی را بدرود گفت و در رواق دارالسیاده حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

13- بهاءالدین عاملی - محمد (953-1030 یا 1031 ق)

بهاءالدین محمد معروف به شیخ بهائی، دانشمند نامدار قرن دهم و یازدهم هجری و متبحر در فقه، حدیث، نجوم، ریاضی، هندسه، طب و معماری، فرزند حسین بن عبدالصمد در اصل از جبل عامل لبنان است و نسبش به حاث همدانی، صحابی معروف امام علی(ع) می‌رسد. وی در شهر بعلبک لبنان به دنیا آمد و در عصر شاه طهماسب صفوی، همراه پدر به ایران کوچید، در آغاز به اصفهان و از آن جا به قزوین رفت و سرانجام به مشهد آمد. استادانش جز پدر، مولانا عبدالله مدرس یزدی، مولانا عبدالله شوشتری، مولانا افضل قایینی و عمادالدین محمود بودند. به سال 1006 که در اصفهان بود، به امامت مردم و تدریس فقه و حدیث مشغول بود و نامدارانی چون ملاصدرای شیرازی، ملا محمد تقی مجلسی، نظام الدین محمد قرشی، ملاصالح مازندارانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاخلیل قزوینی در شمار شاگردان او هستند.

وی که به سیر و سیاحت عقیده و علاقه بسیار داشت، سال‌ها در عراق و شام و مصر و حجاز و بیت‌المقدس و ایران به سر برد و با دانشمندان و بزرگان فقها و حکما و ارباب سلوک آمد و شد داشت.

در واپسین سال‌های زندگی خود، از منصب شیخ الاسلامی که بزرگترین مقام دینی و معنوی ایران آن روز بود، کناره گرفت و به سیر و سلوک پرداخت و سرانجام در روز سه شنبه دوازدهم شوال 1030 یا 1031 در اصفهان به دیار باقی شتافت. علامه مجلسی بر پیکرش نماز خواند و جنازه‌اش به دستور شاه عباس صفوی به مشهد حمل شد و در جوار مرقد منور امام رضا(ع) مدفون گردید. همان جایی که سال‌ها در کنار آن زیسته و بسیاری از توانایی هنری خود را در ساخت بناهای آن بروز داده بود.

14- تبریزی - غلامحسین (1260-1359 ش)

آیه الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی معروف به "ترک" در یکی از روستاهای شبستر چشم به جهان گشود، نخست در مدرسه طالبیه تبریز علم آموخت، آن گاه به نجف رفت و از خرمن درس آخوند خراسانی و ملا محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی خوشه برگرفت. پس از بازگشت به تبریز، به فعالیت‌های اجتماعی مذهبی روی آورد و جمعیت "دیانت اسلامی" را بنیان نهاد و به تدریس معارف اسلامی پرداخت. نوآوری او در مقاله‌نویسی در نشریه "تذکرات دیانتی" تبریز، مایه ستایش وی از جانب علمای قم و مشهد شد. به گفتگوی میان ادیان توجه ویژه‌ای داشت و با برنامه‌های رضاخان آشکارا مخالفت می‌کرد. پس از کوچیدن به مشهد، همسر باردارش را در گریز از مأموران کشف حجاب، از دست داد. در مشهد ازدواج کرد و به رویارویی با اندیشه‌های کسروی، که از تبریز با او و افکارش آشنا بود، پرداخت و مدتی نیز مجلات "راحت" و "ندای حق" را در پاسخ شیخ مردوخ کردستانی انتشار داد.

پس از ترور ناکام کسروی که نواب صفوی به مشهد آمد، با کمک حاج شیخ در یکی از روستاهای این شهر پنهان شد و پس از اعدام نواب، برایش مجلس یادبود گرفت و مسئولیت "مبارزان اسلام" یکی از شاخه‌های فدائیان اسلام را خود عهده‌دار شد. او که همواره به برپایی نماز جمعه اعتقاد داشت، تا زنده بود، در محراب و منبر نماز جمعه بر مردم امامت داشت، و پس از پیروزی

انقلاب اسلامی نیز تنها پس از درگذشت او در سال 1359 بود، که از سوی امام خمینی برای مشهد امام جمعه‌ای منصوب شد. وی دارای اندیشه‌ای بلند، ذهنی پاک و اخلاقی نیکو بود و هرگز از دعا و نیایش و راز و نیاز در خلوت، و کمک به بینوایان غفلت نداشت.

روز اول شعبان 1400 ق برابر با 25 خرداد 1359 در مشهد درگذشت و در ضلع شمالی رواق دارالسلام حرم امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

15- تربتی - عباس (؟-1322ش)

ملاعباس تربتی معروف به #171؛ حاج آخوند؛ در روستای #171؛ کاریزک ناگهانی؛ در 15 کیلومتری تربت حیدریه به دنیا آمد. پدرش ملاحسینعلی که اندک سواد داشت، او را نخست به مکتب روستا، و آن گاه برای ادامه تحصیل به مدارس تربت حیدریه فرستاد. او پس از شاگردی نزد حاج آخوند حاج ملا عبدالحمید و فراگیری صرف و نحو و مقدمات اصول و فقه، راهی مشهد شد و به درخواست پدر به روستا برگشت تا ازدواج کند و به زراعت بپردازد و روزهای آخر هفته را به تربت رود و درس بیاموزد. در سال 1326 ق، در سفری هفته ماهه، پیاده راهی کربلا شد و پس از آن در محضر حاج شیخ علی اکبر تربتی، از شاگردان آخوند خراسانی که به تازگی از نجف به تربت آمده بود، درس کفایه را آموخت و در شهر تربت مشغول اقامه جماعت و تدریس شد. او که مردی هوشمند و ژرف بین بود، در ماجرای جنبش مشروطه همواره از اهداف این نهضت مردمی پشتیبانی می‌کرد. در سال 1300 ش، چند ماهی را در مشهد گذراند و در مسجد گوهرشاد به اقامه جماعت و منبر پرداخت. شخصیت معنوی او آمیزه‌ای از انعطاف و تأثیرگذاری بود، یکی از مقامات انتظامی آن زمان، اعتراف کرده است که از وی می‌ترسد؛ چون اگر حاج آخوند نفرین کند، اثر می‌کند!

آخوند ملاعباس، پدر مرحوم حاج شیخ حسینعلی راشد، خطیب و سخنور توانا و نامور است که شرح زندگانی وی در جای خود خواهد آمد.

وی در 24 مهر 1322 ش در تربت حیدریه درگذشت و جنازه‌اش پس از انتقال به مشهد، در غرفه ضلع شمال غربی صحن آزادی حرم مطهر امام هشتم(ع) به خاک سپرده شد.

16- تهرانی - جواد (1283-1368 ش)

آیةالله حاج میرزا جواد آقا تهرانی از مردان یگانه این دوران است که نامش یادآور اخلاق و شخصیتش نماد قداست و زهد راستین است.

وی در تهران زاده شد و پس از تحصیل در مدارس آن شهر، به قم رفت و از آن جا راهی نجف شد، ولی به دستور مادر، به تهران بازگشت. در سال 1312ش به مشهد آمد و از محضر بزرگانی چون میرزا مهدی اصفهانی و حاج شیخ مجتبی قزوینی بهره برد. سال‌ها به تدریس خارج فقه و تفسیر قرآن پرداخت. فلسفه را نیک می‌دانست اما هرگز خود را در عقلیات صرف و اندیشه‌های انتزاعی گرفتار نکرد. بر این باور بود که حقیقت را تنها باید از سرچشمه پاک وحی و معارف معصومان برگرفت. رفتارش نشانه زهد و پارسایی بود و گفتارش بیان حق.

در نهضت اسلامی و مردمی ایران، همواره در صف مقدم مبارزه بود، و از رهبران انقلابی شهر مشهد شمرده می‌شد. حضورش در مجلس خبرگان قانون اساسی، و هم‌زمانی‌اش با حماسه آفرینان دفاع مقدس، نشانگر باور راستین او به فعالیت‌های ثمربخش اجتماعی بود. هر گاه به جبهه می‌رفت، کفن خویش را برمی‌داشت و می‌فرمود: هر جا شهید شدم، یا مُردم، همان جا دفن کنید. وی پس از 85 سال زندگی پربرت، در مشهد درگذشت و بنا به وصیت خویش پس از طواف حرم امام هشتم(ع)، در بهشت رضا(ع) گورستان عمومی شهر، و در کنار شهیدان انقلاب و جنگ به خاک سپرده شد. شرح حال مفصلی از او را در این‌جا بخوانید.

17- تهرانی - حسنعلی (م 1325 ق)

در تهران به دنیا آمد و پس از آشنایی با مقدمات، عازم نجف شد و سال‌ها از محضر علامه ملاعلی نهایندی بهره برد. سپس به سامرا رفت و در شمار شاگردان میرزای شیرازی در آمد و تقریرات درس او را به رشته تحریر کشید. در زمان حیات میرزا، گاه جای او به اقامه جماعت می‌پرداخت و پس از فوت استاد در سال 1314 ق به تهران بازگشت و مورد استقبال ارباب معرفت قرار گرفت. ناسازگاری وی با ارکان رژیم قاجار، موجب شد که برای همیشه، زادگاه خویش را به قصد زیستن در مشهد ترک کند. او سال‌ها به پارسایی زیست و به تدریس فقه و اصول اهتمام ورزید و مقبولیت عامه یافت و کراماتی از او نمایان شد. این عالم ربانی که جد مادری آیةالله مروارید از علمای معاصر مشهد بود، سرانجام در روز شنبه 14 رمضان 1325 ق به سرای ماندگار شتافت و پیکر پاکش در صفا قوام شیرازی که پنجره آن به توحیدخانه حرم امام رضا(ع) گشوده می‌شود به خاک سپرده شد.

18- ثقفی - محمد (1313 1405 ق)

میرزا محمد ثقفی فرزند میرزا ابوالفضل و پدر همسر حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، از علما و مفسران معاصر بود. وی در سال 1313 در تهران زاده شد و پس از فراگیری مقدمات به قم رفت تا در محضر آیةالله شیخ عبدالکریم حائری و آیةالله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی شاگردی کند. پس از هفت سال اقامت در قم و کسب اجازه روایت و اجتهاد از استادانش به تهران بازگشت

و تا پایان زندگی در آن شهر ماند و به تألیف کتاب و ارشاد و هدایت مردم پرداخت. هنگامی که درگذشت، پیکرش را به مشهد آوردند و در جوار امام هشتم (ع) به خاک سپردند.

19- جعفری - محمدتقی (1304 - 1377 ش)

علامه محمدتقی جعفری فرزند کریم، از برجسته‌ترین چهره‌های علمی روزگار ما بود. او به سال 1304 در شهر تبریز به دنیا آمد و همه عمر خویش را به آموزش و پژوهش گذراند. علم‌آموزی را از مدرسه طالبیه تبریز در شرایطی آغاز کرد که به دلیل مشکلات مالی، ناچار بود نیمی از روز را به کار بپردازد. سپس به مدرسه مروی تهران رفت و در محضر آیه‌الله شیخ محمدرضا تنکابنی و میرزا مهدی آشتیانی سطوح و فلسفه را آموخت. آن گاه به قم و سرانجام به نجف رفت و نزد بزرگان آن حوزه به شاگردی نشست و در همان جا به آموختن فلسفه در محضر شیخ صدرای قفقازی و شیخ مرتضی طالقانی پرداخت و با مطالعه کتاب‌های روز، بر گستره دانش خویش افزود، پس از 11 سال به ایران بازگشت و در شهرهای قم و مشهد سکونت کرد و در پایان تهران را برای اقامت برگزید و در مدرسه مروی به تدریس پرداخت. او با مجامع و شخصیت‌های علمی داخلی و خارجی رابطه برقرار کرد و صدها سخنرانی مهم در حوزه فرهنگ و فلسفه و معارف الهی در محافل دینی و علمی ایراد نمود.

علاقه فراوان وی به مولانا جلال الدین رومی و کتاب مثنوی معنوی سبب شد که به شرح گسترده افکار و اندیشه‌های مولوی بپردازد و کشف الابیات مثنوی را به عنوان «171#&از دریا به دریا» فراهم آورد. پس از آن، به شرح و تفسیر درازدانی از کتاب شریف «171#&نهج البلاغه» دست یازید و پروپیمان‌ترین تفسیر فارسی این کتاب را نوشت. وی که در سال 1377 برای درمان بیماری خود، به انگلستان رفته بود، همان‌جا درگذشت و پیکرش به مشهد آورده شد و پس از آیین تشییع باشکوهی در رواق درازهد حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

20- حافظیان - سید ابوالحسن (1282-1360 ش)

در مشهد زاده شد و در همین شهر به فراگیری ادبیات و طب و فقه و اصول اخلاقی پرداخت. به سیر و سلوک رو آورد و علوم غریبه را فرا گرفت و از محضر بزرگانی چون مرحوم شیخ حسنعلی اصفهانی بهره برد. در مرادهاش با مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی با شخصیت برجسته سید موسی زرآبادی آشنا شد و به شوق دیدار وی راه قزوین را در پیش گرفت. پیرامون این سفر، خودش چنین سروده است:

... حالیا یک سفر به قزوین کن

قلب پاکیزه را تو تزیین کن

بین چه دریای علم و فضل و کمال

واقف رازها ز قبل سؤال

رادمردی بزرگمرد و علیم

صاحب نفس مطمئن و حکیم

چون رسیدم به خدمتش حیران

شدم از آن فرشته انسان...

علاقه به دانش‌های کمترشناخته شده بشری و گرایش به ریاضت‌های انسان‌ساز او را به سرزمین رازآلود هندوستان کشانید. در همان‌جا، و دقیقاً در پی ریاضت‌های طولانی بر فراز تپه «171#&صوفی پوره» واقع در دامنه کوه ترال کشمیر بود که به نگارش مهمترین اثر خود، یعنی «171#&لوح محفوظ» پرداخت.

او در هند با دختر یکی از ایرانیان مقیم در آن سرزمین ازدواج کرد و در سال 1320 ش به ایران بازگشت و سال‌ها در یکی از حجره‌های فوقانی صحن عتیق حرم امام رضا (ع) به عبادت مشغول شد.

یکی از مهمترین آثار به‌جامانده از وی، طراحی و ساخت ضریح مطهر امام رضا (ع) است که تا همین چندی پیش بر مزار پاک آن امام نصب بود.

وی در سال 1360 ش درگذشت و در رواق دارالسرور آستان مقدس رضوی به خاک سپرده شد.

21- حجت طباطبائی - سید محمدباقر (1298-1380 ش)

وی از تبار فقیه نامدار تشیع مرحوم صاحب ریاض است و پدر و عموی از مراجع تقلید شهر مقدس کربلا بودند. او نزد بزرگانی چون آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، بروجردی و میلانی درس خواند و از همه آنها اجازه اجتهاد گرفت.

در پی ازدواج با دختر مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی به مشهد کوچید و در جلسات درس مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی حاضر شد و تا پایان عمر در مشهد ماند و به تدریس علوم و معارف اسلامی پرداخت.

وی در دی ماه 1380 ش و در پی ایست قلبی به سرای جاودان شتافت و پیکر پاکش در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا (ع) دفن شد.

22- حرّ عاملی - محمد (1104-1033 ق)

شیخ محمد معروف به حرّ عاملی، از بزرگان فقه جعفری و نامداران حدیث شیعه است. وی در مشغری، یکی از روستاهای ناحیه بقاع

لبنان زاده شد و نزد عمویش شیخ محمد حرّ و شیخ علی دایی پدرش، و زین الدین صاحب کتاب معالم الدین دانش آموخت. به اغلب کشورهای اسلامی سفر کرد، چندبار حج گزارد، در راه خراسان مدتی در اصفهان ماند و به دربار شاه سلیمان صفوی آمد و شد داشت. در حدود سال 1080 ق به مشهد آمد و 24 سال در جوار مزار منور امام رضا(ع) زیست. مهم‌ترین اثرش یعنی کتاب معروف «وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة« هنوز هم یکی از محورهای مطالعاتی حدیث شیعه در حوزه‌های علمیه است. کتاب «الجواهر السنیة« نیز مجموعه‌ای از احادیث قدسی است که با تلاش وی گردآوری شده و کتاب «هدایة الامة الی احکام الائمة« هم گزیده‌ای از همان کتاب و مسائل اوست که بیشتر احادیث فقهی را در خود دارد. شیخ با این نوشته‌ها و دیگر آثار گرانسنگ خود، خدمت بزرگی در ماندگاری احادیث شیعه و پاسداشت میراث پربار کرده است. وی در پایان سال‌های پایانی عمر، تمام تلاش خود را مصروف نوشتن شرحی بر کتاب و مسائل کرد، ولی به نگارش کامل آن موفق نشد. شیخ در 21 رمضان 1104 ق در مشهد درگذشت و در یکی از غرفه‌های زیرین صحن عتیق حرم مطهر امام رضا(ع)، به خاک سپرده شد.

23- حسینی تهرانی - سید محمد حسین (1345-1416ق)

علامه سیدمحمد حسین، فرزند مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد صادق نخست در یکی از رشته‌های صنعتی دانش آموخت، ولی در سفر به مشهد به دست مرحوم آیه‌الله میرزا محمد تهرانی، صاحب مستدرک بحارالانوار که از علمای عصر و دایی پدری وی بود، به لباس روحانیت درآمد و به تحصیل علوم الهی روی آورد. در سال 1364 ق به قم رفت و در مدرسه حجت اقامت گزید و به شاگردان علامه طباطبائی پیوست. همزمان اصول و فقه را از دیگر بزرگان حوزه فرا گرفت و در سال 1370 ق برای پیمودن پله‌های بالاتر علمی، راهی نجف شد. هفت سال بعد به تهران بازگشت و در مسجد قائم خیابان سعدی به نشر احکام اسلامی و ارشاد مردم و تهذیب نفوس پرداخت و پس از 24 سال، در سال 1400 ق رهسپار مشهد مقدس شد و تا واپسین دم عمر در این جا ماند و به تربیت شاگردان بسیار و نگارش کتاب‌های فراوان پرداخت. آثاری چون، الله شناسی، امام شناسی، معادشناسی، مهر تابان، لب اللباب و... در شمار کتاب‌های ارزشمند اوست. سرانجام در سال 1416 ق به رحمت ایزدی رفت و بیکر مطهرش پس از تشییعی باشکوه در جوار مزار مولایش امام هشتم(ع) در ضلع جنوب شرقی صحن انقلاب دفن شد.

24- خادمی اصفهانی - سید حسین (1280-1363ش)

آیه‌الله سید حسین خادمی فرزند سید ابوجعفر و نوه آقا سید صدرالدین عاملی است. در اصفهان زاده شد و مقدمات را نزد شیخ علی یزدی و آقا میرزا اردستانی و آقا میرزا احمد اصفهانی فرا گرفت. سطح را از آخوند ملاعبدالکریم جزوی و حاج سید علی نجف آبادی و کفایه را در محضر آیه‌الله سید محمد نجف آبادی آموخت. برای فراگیری درس خارج نزد حاج میرزا محمدصادق یزدآبادی زانو زد. آن گاه به نجف رفت و از درس آیات عظام سیدابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی بهره برد و کلام را در حلقه درسی آیه‌الله شیخ جواد بلاغی و رجال را از آیه‌الله آقا سید جواد ابوتراب خوانساری آموخت. سال 1347 ق به اصفهان بازگشت و در مدرسه صدر به تدریس و اقامه جماعت پرداخت. در جریان کشف حجاب با حکومت وقت مبارزه کرد و از آغاز اوج‌گیری انقلاب اسلامی، منزل وی در اصفهان محل برگزاری مجالس سخنرانی و تحصن انقلابیون بود. از سوی امام خمینی، مأمور رسیدگی به امور حوزه علمیه اصفهان شد و در کنار فعالیت‌های اجتماعی، به تألیف کتب و آثاری در زمینه مسائل فقه و اصول پرداخت. 20 اسفند 1363، پس از یک دوره بیماری طولانی، در 86 سالگی درگذشت و بیکرش را پس از تشییع به مشهد آوردند و در رواق دارالسلام حرم مطهر امام رضا(ع) دفن کردند.

25- خالصی - محمد مهدی (1276-1343ق)

آیه‌الله شیخ محمد مهدی خالصی، فرزند شیخ حسین در «کرخ«؛ کاظمین به دنیا آمد. بعد از فراگیری مقدمات در زادگاه خود، به دستور پدر، برای شرکت در درس میرزا حبیب رشتی و آخوند خراسانی به نجف رفت. سپس برای حضور در درس میرزا محمدحسن شیرازی راهی سامرا شد. با اخذ درجه اجتهاد به کاظمین بازگشت و به تدریس آموخته‌های علمی خود پرداخت. شیوه تدریس خاص او، جمع زیادی را به محضرش کشانید و بیان نافذ و تقوا و نفوذ روحانی‌اش در میان مردم، بیت او را به پناهگاه معنوی مؤمنان بدل کرد. او که مرد سیاست بود، در همه امور اجتماعی تأثیر می‌گذاشت و در نهضت مشروطیت ایران و برپایی نظام پارلمانی در دولت عثمانی هم نقش‌آفرین بود. وی سال‌ها با نفوذ و حضور انگلیس در عراق مبارزه کرد و در سال 1341 ق به دستور دولت دست‌نشانده عراق دستگیر و به جزیره «هنگام«؛ هند تبعید شد ولی با تظاهرات طرفدارانش، پیش از پیاده شدن از کشتی، او را به یمن بردند و از آن جا در مراسم حج شرکت کرد و در همان مراسم، از سوی هیأت‌های اعزامی دولت ایران، به ایران دعوت شد. در پی پذیرش این دعوت با کشتی به بندرعباس آمد و به هنگام پیاده شدن، هدف 12 گلوله از سوی یکی از افسران انگلیسی و یکی از کارمندان شرکت نفت انگلیس قرار گرفت.

در اعتراض به این حادثه، علمای مقیم عتبات با راهنمایی آیه‌الله نائینی و سیدابوالحسن اصفهانی راهی ایران شدند. خالصی پس از رهایی از زخم این عملیات تروریستی، ابتدا به قم و اصفهان و آن گاه به مشهد آمد و در این جا مورد استقبال مردم و سردار اسعد

بختیاری استاندار خراسان قرار گرفت.

آثار علمی فراوانی از وی به جا مانده که بسیاری از آنها بارها به چاپ رسیده است. وی در روز 11 رمضان 1343 ق در مشهد به دیار باقی شتافت و پیکرش در حجره پشت صفا غریبی رواق دارالسیاده حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

26- خامنه‌ای - سید جواد (1313-1406 ق)

آیةالله سیدجواد خامنه‌ای فرزند آیةالله سیدحسین، عالم بزرگ و امام مسجد جامع تبریز، در نجف به دنیا آمد و همراه خانواده، در کودکی به تبریز کوچید. سال‌های نوجوانی را در رویدادهای مهم مشروطیت گذرانید و مصلوب کردن بزرگان تبریز در روز عاشورا به دست روس‌ها را به چشم خود دید.

تا سال 1336 ق که به مشهد آمد، در تبریز به تحصیل مشغول بود و در مشهد از محضر بزرگانی چون میرزا محمد آقا زاده، حاج آقا حسین قمی و حاج فاضل خراسانی بهره برد.

در سال 1345 ق رهسپار نجف شد و درس آیات عظام میرزای نائینی و سیدابوالحسن اصفهانی را دریافت، سپس به مشهد بازگشت و پس از ازدواج با دختر مرحوم آیةالله حاج سید هاشم نجف آبادی، در همین شهر ماندگار شد. حضرت آیةالله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی و سه فرزند پسر و یک دختر، ثمره این ازدواج است.

ایشان سال‌ها در مشهد به تدریس و اقامه جماعت مشغول بود و در دوران مبارزات مردم دلیر ایران، به دلیل نقش فرزندانش در رهبری انقلاب، رنج بسیاری را به جان خرید.

وی در 15 تیرماه 1365 ش برابر با 28 شوال 1406 ق در مشهد درگذشت و پیکرش پس از تشییعی گسترده، در رواق توحیدخانه به خاک سپرده شد.

27- خراسانی - ملاهاشم (1284-1352 ق)

این فقیه و تاریخ‌نگار، فرزند مرحوم محمدعلی بود که نام‌آوری‌اش در فقه، مردم را به پیروی از او واداشته بود. وی در مشهد زاده شد، به نجف رفت و پس از فراگیری علوم حوزه به مشهد بازگشت و به تدریس و تألیف رو آورد و کتاب‌های سودمندی را به نگارش کشید. از معروف‌ترین آثارش کتاب «منتخب التواریخ»؛ به فارسی است که در آن بیشتر رخدادهای روزگار خود، به ویژه به توپ بسته شدن حرم مطهر به دست نیروهای روس را به تفصیل بازگفته است. وی در 68 سالگی بدرود حیات گفت و در رواق دارالحفاظ به خاک سپرده شد.

28- دامغانی - محمدکاظم (1316-1401 ق)

وی در روستای شمس آباد دامغان پا به عرصه هستی نهاد و در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و با دشواری بسیار به فراگیری دانش پرداخت و برای ادامه تحصیل به مشهد آمد. پس از چندی اقامت در منزل یکی از خویشان، در مدرسه دو درب حجره‌ای گرفت و نزد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و فاضل بسطامی با علوم ادب آشنا شد. کتاب قوانین را نزد مرحوم شهرستانی، سطوح را خدمت شیخ حسن برسی و شیخ محمد قوچانی و شیخ محمد نهاوندی آموخت و محضر بزرگانی چون مرحوم آقا زاده، میرزا مهدی اصفهانی و حاج آقا حسین قمی را درک کرد و از میرزای نائینی، سیدابوالحسن اصفهانی، اجازه اجتهاد گرفت و از شیخ آقابزرگ تهرانی و علامه سمنانی و مرحوم بروجردی، مجاز به روایت شد.

وی در مشهد کرسی تدریس داشت ولی پس از واقعه مسجد گوهرشاد خانه‌نشین شد و از همه مشاغل درسی و قضایی کناره گرفت. تنها پس از شهریور 1320 ش بود که حاضر شد برای بازسازی حوزه علمیه مشهد پا پیش نهد. صراحت لهجه و پرهیز از تظاهر، از ویژگی‌های او بود.

وی در سال 1401 ق برابر با 1360 ش درگذشت و در رواق دارالزهده حرم مطهر امام رضا (ع) دفن شد.

29- زاهدی - جعفر (1335-1419 ق)

نیاکان وی اهل بروجرد و مقیم مشهد بودند و او در مشهد زاده شد. ادبیات عرب را نزد شیخ محمد تقی شاهرودی و شیخ محمد کاظم دامغانی و شیخ حسن هروی و ادیب دوم خواند و سطح را در محضر شیخ هاشم و شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. پس از فراگیری درس خارج در محضر بزرگان، از سال 1337 ش به تدریس در دانشکده معقول و منقول (الهیات) دانشگاه فردوسی مشهد پرداخت و شاگردان بسیاری را تربیت کرد.

وی به دلیل داشتن مقام ارجمند علمی، موفق به دریافت اجازه روایی از عالمان فراوانی شد.

از سال 1356 ق در مدرسه نواب و خیرات‌خان به تدریس فقه و اصول و تفسیر و حکمت پرداخت و کتاب‌های آموزنده بسیاری را نگاشت. وی در سال 1419 ق برابر با 1377 ش در سن 84 سالگی در مشهد به سرای باقی شتافت.

30- سبزواری - حسین (1309-1386 ق)

آیةالله حاج میرزا حسین سبزواری مشهور به فقیه سبزواری فرزند آیةالله میرزا موسی، در شهر سامراء به دنیا آمد و در سال 1318 ق همراه پدرش راهی سبزوار شد و در آنجا مشغول تحصیل شد و هشت سال بعد به مشهد آمد و در مدرسه فاضل‌خان حجره گرفت و

در محضر بزرگان دانشوری چون حاج شیخ حسن برسی، میرزا محمدباقر مدرس رضوی، میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و دیگران علم آموخت.

پس از ازدواج بار دیگر به سبزوار بازگشت و شش سال در آنجا ماند و ضمن تدریس، خارج فقه و اصول را از محضر پدر و حکمت را از افتخارالحکماء، شاگرد حاج ملاهادی سبزواری فرا گرفت. آن گاه به نجف رفت و در پیشگاه میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی و حاج سید محمد فیروزآبادی زانو زد و با دریافت اجازه اجتهاد از آنان، به 171#«#فقیه سبزواری«# مشهور شد.

با پیمودن این پله‌های دانش‌اندوزی، به درخواست سبزواریان، به خراسان آمد و در مشهد اقامت گزید و به تدریس اقامه جماعت و خدمات اجتماعی پرداخت. مدرسه باغ رضوان، تکیه سیدها، تکمیل درمانگاه رازی، احداث 120 باب منزل در خیابان نخریسی و 25 باب در خیابان خواجه ربیع، برای اسکان سیل‌زدگان، و ساخت دهها باب مسجد در سطح شهر مشهد، از کارهای عام المنفعه اوست. در شمار اقدامات خیرخواهانه او باید از تهیه زمین و احداث دهها باب منزل برای طلاب، در منطقه‌ای از شهر مشهد که اینک به نام 171#«#کوی طلاب«# مشهور است، یاد کرد.

وی در 77 سالگی، درگذشت و در گورستان عمومی باغ رضوان در ناحیه شمالی حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

31- سعیدی کاشمیری - محمد صادق (1312-1375 ش)

آیةالله شیخ محمدصادق سعیدی کاشمیری فرزند شیخ علامحسین، از محققان و مفسران و لغت‌شناسان معاصر خراسان است. وی در روستای فرشه از توابع کاشمر زاده شد و تا سیزده سالگی در محضر پدر به آموزش پرداخت. سپس به کاشمر رفت و نزد برادر بزرگش به تحصیل ادامه داد.

در سال 1335 ش از سوی آیةالله امامی نوری، ریاست حوزه علمیه کاشمر راهی نجف شد و در مدرسه طباطبائی یزدی سکونت یافت و از محضر آیةالله خوئی، سید عبدالاعلی سبزواری، میرزا باقر زنجانی و علامه فانی اصفهانی بهره برد. و توفیق داشت که از شیخ آقابزرگ تهرانی اجازه‌نامه روائی بگیرد.

وی در سال 1343 برای تجدید دیدار به دیار خود بازگشت، و به اصرار مرحوم امامی نوری، در کاشمر ماندگار شد. با ماندن وی، حوزه کاشمر و سه مدرسه علمیه‌اش رونق تازه یافت. مرحوم سعیدی تا سال 1362- که به مشهد آمد - در شهر خود اقامت کرد و علاوه بر پرداختن به امور علمی و نگارشی، حدود سی بنای خیریه، اعم از مسجد و مدرسه و حسینیه و درمانگاه و صندوق قرض‌الحسنه ساخت. تسلط او به ادبیات به گونه‌ای بود که هزاران بیت شعر عربی و فارسی را از حفظ داشت و کفایةالاصول و تفسیر قرآن را بسیار زیبا و جذاب تدریس می‌کرد.

وی در 19 اردیبهشت سال 1375 در مشهد به رحمت خدا رفت و در رواق دارالزهد حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

32- سیستانی - سید علی (م 1340 ق)

آیةالله حاج سید علی، فرزند سید محمدرضا حسینی سیستانی از فقیهان و عالمان و مجتهدان بلندپایه عصر خود بود. در نجف از محضر ملاعلی نهبودی علم آموخت، به سامرا رفت و در ملازمت آیةالله میرزا محمد حسن شیرازی و سید اسماعیل صدر به مقامات علمی و پارسایی دست یافت و در شمار مردان خوش‌خلق و غیور و سلیم‌النفس در آمد.

حدود سال 1318 ق به ایران آمد و در خانه محقری در مشهد ساکن شد و در مسجد گوهرشاد به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تدریس فقه و اصول پرداخت. دوره مشروطه با آخوند خراسانی و میرزای نائینی مکاتبه و تبادل نظر داشت و نسبت به برخی از شعارها و اهداف مشروطه‌خواهان معترض بود از همین رو، مورد تهاجم آنان قرار گرفت و چندی را در زندان به سر برد. در شب 13 رمضان 1340 به طور ناگهانی درگذشت و در رواق دارالحفاظ حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام به خاک سپرده شد.

33- شاهرودی - سید حسین (1315-1410 ق)

وی در یکی از روستاهای شاهرود زاده شد و پس از تحصیل مقدمات در شاهرود، رهسپار نجف گردید و از محضر بزرگان آن حوزه بهره برد و تقریرات فقه و اصول دو تن از اساتید خود، یعنی آیةالله سید محمود شاهرودی و آیةالله سید ابوالقاسم خوئی را به رشته تحریر کشید و پس از رسیدن به درجه اجتهاد به مشهد آمد و در مسجد حوض لقمان به اقامه جماعت و تدریس پرداخت.

روز 8 آبان 1368 ش درگذشت و پیکر پاکش پس از تشییعی باشکوه، در رواق دارالسیاده حرم مطهر امام هشتم(ع) به خاک سپرده شد.

34- شهرستانی - سید عبدالرضا (1340-1418 ق)

علامه سیدعبدالرضا حسینی مرعشی شهرستانی فرزند سید زین العابدین، دانشمندی فاضل و چهره‌ای پارسا و پرهیزکار بود. وی در کربلا زاده شد و همان‌جا به تحصیل کتاب‌های سطح حوزه علمیه و فراگیری هیئت و ریاضیات پرداخت.

خارج فقه و اصول را در حلقه درسی آیات سیدمیرزا مهدی شیرازی، سید محمدهادی میلانی، سید عبدالحسین حجت و شیخ مرتضی آشتیانی آموخت و در سال 1356 ق در صحن و سرای حضرت ابوالفضل العباس(ع) به تدریس و اقامه جماعت پرداخت.

با هدف آموزش دینی و فقهی جوانان و تعلیم تفسیر و عقاید، مدرسه حضرت امام جعفر صادق(ع) را در کربلا راه انداخت و در بنیانگذاری مؤسسه خیریه، درمانگاه کودکان و کتابخانه جعفریه در مدرسه هندیه کربلا، با دیگر آیات عظام همکاری کرد. در سال

1370 ق گروه فرهنگ دینی را شکل داد و در رویارویی با اندیشه‌های و افکار مارکسیستی تلاش فراوانی کرد. روشن‌بینی او سبب شد که در حمایت از مبارزات اعراب بر ضد اسرائیل و همچنین پشتیبانی از نهضت مردمی و اسلامی ایران علیه رژیم ستمکار پهلوی، کوشا باشد و با روش‌های گوناگون، این حق‌طلبی‌ها را بستاید و دیگران را به حمایت از آنان فرا خواند. به دنبال مخالفت با روش‌ها و سیاست‌های جنایتکارانه رژیم بعثی عراق، راهی ایران شد و حدود بیست سال آخر عمر پربار خود را در مشهد مقدس سپری کرد. از وی آثار ارزنده و آموزنده بسیاری به جا مانده است. آیه‌الله شهرستانی در روز 28 ربیع الاول 1418 ق برابر با 12 مرداد 1376 ش در مشهد درگذشت و پیکرش، پس از تشییع در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام دفن شد.

35- شیرازی - ابوالحسن (1293-1379 ش)

آیه‌الله شیخ ابوالحسن شیرازی (مقدسی) در یکی از توابع داراب استان فارس به نام کوهستان زاده شد. پدرش مهدی‌قلی خان از منتقدین محل بود. مقدمات را در داراب و اصطهبانات و سطوح عالی و بخشی از فلسفه را در شیراز فرا گرفت. سپس راهی مشهد شد و به‌ویژه از محضر آیه‌الله میرزا مهدی اصفهانی بهره فراوان برد. آن گاه به نجف کوچید و در آن‌جا به دریافت اجازه اجتهاد نایل شد. پس از مراجعت به ایران، اندکی در قم ماند، و سرانجام در سال 1340 به مشهد آمد و به تدریس و تربیت طلاب و دیگر خدمات اجتماعی به‌ویژه برای طلاب و اقشار کم‌درآمد جامعه پرداخت. وی از عالمانی بود که در اوج انقلاب اسلامی، شرکت گسترده‌ای در این قیام مردمی داشت. به نمایندگی مردم مشهد در مجلس خبرگان قانون اساسی و خبرگان رهبری برگزیده شد و چندی پس از پیروزی انقلاب، حکم امامت جمعه شهر مقدس مشهد را از امام خمینی دریافت کرد.

وی پس از عمری خدمت خاصانه و جهاد خستگی ناپذیر، در 16 مرداد 1379 ش برابر با 5 جمادی الثانی 1421 ق در 86 سالگی بدرود حیات گفت و در رواق دارالزهد حرم مطهر امام هشتم (ع) به خاک سپرده شد.

36- شیرازی - سید عبدالله (1271-1363 ش)

آیه‌الله العظمی سید عبدالله شیرازی فرزند آیه‌الله سید محمد طاهر موسوی، در شیراز به دنیا آمد. وی مقدمات علوم اسلامی و عرفان و ادب را در محضر پدر گرامی خویش، و شیخ علی ابوالوردی و میرزا محمد صادق مجتهد و حاج شیخ رضا ثامنی فرا گرفت و در سال 1333 ق راهی نجف شد. با سکونت در مدرسه آخوند خراسانی، درس آیات عظام ضیاءالدین عراقی و میرزای نائینی را درک کرد و پس از چندی، استادی توانمند شد و جمع زیادی از قضایای ایرانی و عراقی و لبنانی و هندی حوزه نجف بر گرد ایشان فراهم آمدند. به سال 1306 ش، در حالی که اجازه اجتهاد مطلق را از آقا ضیاء عراقی دریافت کرده بود، راهی وطن شد. در ماجرای کشف حجاب، از قم راهی مشهد شد و در شورای علمای مشهد که در منزل آیه‌الله سید یونس اردبیلی دایر بود، شرکت کرد. پس از کشتار مسجد گوهرشاد وی نیز همراه گروهی از علمای مشهد دستگیر و راهی تهران شد و پس از پنج ماه حبس، در سال 1315 ش راه حوزه نجف را در پیش گرفت.

آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در یادداشت سال 1323 ش خود، وی را شخصی شایسته مرجعیت خواند و از مردم خواست که در امور دینی خود به وی مراجعه کنند. متاب #171؛ انیس المقلدین؛ رساله عملیه او برای مقلدین است.

آیه‌الله شیرازی با این که در عراق سالکن بود، در جریان نهضت ملی، و نیز در ماجرای مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی از مطالبات مردم مسلمان ایران حمایت کرد و سرانجام با روی کار آمدن و اعمال فشار حکومت بعث عراق، در سال 1354 ش. آن کشور را به قصد ایران ترک کرد و پس از سفر به شیراز و قم، در مشهد ساکن شد و به تدریس و ارشاد مردم پرداخت و در ایام انقلاب اسلامی ایران، هماهنگ با امام خمینی، خانه وی ملجأ همه مردم مجاهد و انقلابی مشهد بود.

در عرصه‌های فکری و فقهی، کتاب‌های بسیار نوشت و طلاب بسیاری را تربیت کرد، در عرصه‌های اجتماعی خدمات شایانی به طلاب و عموم مردم مشهد کرد که هنوز آثار آن به شکل مراکز آموزشی و پژوهشی و درمانی و خدماتی باقی است، در زمینه‌های سیاسی نیز نقش آفرینی درخشانی از خود بروز داد.

وی در نیمه شب ششم مهرماه 1363 در 92 سالگی در مشهد درگذشت و پیکر وی پس از تشییعی باشکوه در رواق پشت سر مبارک امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

37- عابدزاده - علی اصغر (1290-1365 ش)

حاج علی اصغر عابدزاده پس از شهریور سال 1320 وارد حوزه علمیه شد و پس از کسب مقدمات، عمدتاً از محضر عالم آگاه مرحوم شیخ هاشم قزوینی بهره‌مند بود. وی در کنار تحصیل، کارگاه کوچکی را نیز اداره می‌کرد و در آن آیین‌های جیبی با قاب حلبی نقش برجسته می‌ساخت همزمان جمعی را به نام #171؛ انجمن پیروان قرآن؛ گرد هم آورد که به‌زودی دارای شعبه‌های بسیاری شد. او از سرمایه شخصی خود، به تأسیس بنای #171؛ مهدیه؛ در بالاخیابان مشهد پرداخت که در آن، افزون بر برگزاری مراسم مذهبی، دروس عربی و مذهبی نیز ارائه می‌شد. از طریق این مؤسسه، گاه به نیازمندان نیز کمک‌هایی صورت می‌گرفت. مهم‌ترین مراسمی که در این بنا برپا بود، آیین باشکوه جشن نیمه شعبان بود که آوازه‌ای گسترده داشت و اعضای انجمن، از هفته‌ها قبل، به آماده‌سازی محل می‌پرداختند و در حین مراسم، بسیاری از دانش‌آموختگان آن مرکز آموزشی برنامه‌های مذهبی را اجرا می‌کردند.

در زمان نهضت ملی شدن نفت، مشهد نیز یکی از کانون‌های این مبارزات بود و این مرکز در کنار مراکز دیگری همچون کانون نشر حقایق اسلامی، با تشکیل ائتلافی مردمی، به نقش‌آفرینی پرداختند.

وی مردی دیندار، زاهدپیشه، سخور، و دارای احترامی خاص و اراده‌ای استوار بود و بر پایه همین عزم مردانه، در صدد برآمد که به نام هریک از چهارده معصوم، بنای مخصوصی بسازد و آن را مرکز کوشش‌های فرهنگی و دینی و آموزش‌های مذهبی و محل برگزاری مراسم جشن و عزاداری قرار دهد. از این رو، پس از #171مهدیه«؛ به ترتیب، ساختمان‌های #171عسکریه«؛ #171نقویه«؛ #171جوادیه«؛ #171کاظمیه«؛ #171جعفریه«؛ #171باقریه«؛ #171سجادیه«؛ #171حسینی«؛ #171حسینیه«؛ #171فاطمیه«؛ و #171علویه«؛ را ساخت که هریک به مدرسه‌ای برای تربیت دانش‌آموزان بدل شد.

بناهای مهدیه‌ای که در تهران و مشهد و دیگر جاها به وجود آمد، همه با الهام از همین ایده و اقدام حاج اصغر عابدزاده بود. وی در سال 1365 شمسی پس از یک دوره بیماری، در مشهد درگذشت و پیکرش در بنای مهدیه، واقع در یکی از کوچه‌های غربی آرامگاه نادری مشهد به خاک سپرده شد.

38- عارف الزین - احمد (1262-1339 ش)

شیخ احمد عارف الزین مدیر دانشمند مجله‌ی اسلامی #171العرفان«؛ از علمای مبرز شیعی مذهب لبنان بود که در مهرماه 1339 همراه سه نفر دیگر از علمای لبنانی برای زیارت حرم مطهر امام رضا(ع) به مشهد آمد و در سن 79 سالگی در مشهد دچار حمله‌ی قلبی شد و درگذشت. او پیش از آمدن به مشهد، در صحبتی که با امام موسی صدر داشت، این اتفاق را پیش‌بینی کرده بود.

وی در روستای شحور لبنان زاده شد و برای تحصیل به صیدا رفت و پس از کسب علوم دینی، به انتشار مجله‌ی #171العرفان«؛ پرداخت که در آن به مسائل اجتماعی و سیاسی لبنان اشاره داشت. در 30 سالگی روزنامه‌ی #171جبل عامل«؛ را انتشار داد و پس از دستگیری، هر دو نشریه‌ی وی توقیف شد، اما پس از رهایی مجله را به راه انداخت تا این که در 46 سالگی تبعید شد و تا 53 سالگی در زندان و تبعید بود. پس از بازگشت دوباره به صیدا، نشر العرفان را در برنامه‌ی کار خود قرار داد و افزون بر آن به نشر کتاب‌های اسلامی همچون تفسیر مجمع البیان و تفسیر آلاء الرحمن پرداخت.

39- عبائی - حسین (1292-1374 ش)

آیة‌الله حاج میرزا حسین واعظ عبائی در تبریز به دنیا آمد و چون ولادتش اندکی پس از درگذشت پدر بود، نام وی را بر فرزند نهادند. در 18 سالگی به مشهد آمد و در حوزه‌ی درس حاج شیخ هاشم قزوینی، سید یونس اردبیلی، میرزا مهدی اصفهانی و حاج سید جواد خامنه‌ای شرکت کرد و همسری از سادات رضوی برگزید و همه‌ی زندگی خود را وقف کارهای تبلیغی و تربیتی نمود. پی از درگذشت برادر همسرش آیة‌الله حاج سید علی رضوی، به اقامه‌ی جماعت در مسجد معروف ملاحیدر مشهد پرداخت و تا سال‌های آخر عمر پربرکت خویش به امامت در این مسجد ادامه داد. وی از مدافعان و حامیان پایدار انقلاب و رهبری امام خمینی بود و از زراندوزی و توجه به مادیات دنیا پرهیز داشت و گسستن از مادیات را از ضروریات ایمان می‌دانست و خود همه‌ی عمر را در پارسایی سپری کرد. او در 30 رجب سال 1416 ق / 1374 ش درگذشت و در ضلع شمال غربی صحن آزادی حرم مطهر امام رضا(ع) دفن شد.

40- عصار - سید محمد (1264-1356 ق)

علامه سید محمد تهرانی لواسانی، که به #171عصار«؛ #171ناظم«؛ و #171آشفته«؛ تخلص می‌کرد از چهره‌های بلندآوازه‌ای است که در تهران به دنیا آمد و پس از تحصیل در محضر بزرگانی چون میرزای شیرازی و میرزای نائینی و میرزای آشتیانی و آخوند ملامحمدکاظم خراسانی در نجف و رسیدن به درجه‌ی اجتهاد، راهی مشهد شد و با این که یک چشم خود را از دست داده بود، به تدریس و تألیف پرداخت.

وی افزون بر نگارش‌هایی در اصول و فقه، پیرامون موضوعات فلسفی و عرفانی نیز تألیفاتی دارد که از این میان می‌توان به حاشیه بر منظومه ملاهادی سبزواری و شرح منظوم گلشن راز اشاره کرد. برخی از آثار وی همچنان به صورت مخطوط، در گنجینه‌ی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. وی در سال 1356 قمری در مشهد درگذشت و در صحن نو (آزادی) به خاک سپرده شد. سید محمد کاظم عصار، فرزند اوست.

41- علم الهدی - سید ابراهیم (م 1378 ش)

آیة‌الله حاج سید ابراهیم«؛ علم‌الهدی سبزواری در سبزوار زاده شد و دروس سطح را در همان‌جا آموخت در همان شهر، با مبانی کلام و حکمت در محضر شاگردان ملاهادی سبزواری آشنا شد. سپس به نجف رفت و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام خوئی، حاج آقا حسین قمی و میلانی بهره برد. با عزیمت آیة‌الله میلانی به مشهد، در سال 1333 او نیز راه مشهد را در پیش گرفت، و هر روز پس از پایان درس استاد، در مسجد گوهرشاد به تفریر درس او می‌پرداخت. با درگذشت آیة‌الله میلانی کرسی درس مستقل داشت و به ژرفنگری در مسائل اصولی شهره بود.

وی بسیار ساده‌زیست و فروتن بود و طبعی شوخ داشت. بیش از سی سال در مسجد فرش فروش‌ها (مسجد حوض چهل‌پایه) در بازار بزرگ فرش مشهد اقامه جماعت کرد و گره‌گشای مسائل مردم و مشکلات قاضیان بود. در روز 13 آذر 1378 ش، پیکرش را از همان مسجد تشییع کردند و در حرم امام رضا علیه السلام مدفون کردند.

42- عیدگاهی - مرتضی (1303 1392 ق)

حاج شیخ مرتضی واعظ شهیدی عیدگاهی از وعاظ به نام خراسان بود. وی ادبیات را در محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری آموخت و فقه و اصول را از درس حضرات آیات میرزا محمد آقازاده و شیخ مرتضی آشتیانی بررسی بهره برد و علوم عقلی را نزد پدرش آیه‌الله حاج شیخ عبدالرحیم فرا گرفت. توانایی وی در وعظ و خطابه و دقت و ذوق او در بیان احادیث امامان علیهم‌السلام، چندان بود که به «ثقّة‌المحدثین« و «شیخ‌الخطباء« شهرت یافت. وی در 7 ذی‌قعدة سال 1392 زندگی را بدرود گفت و در محل رواق دارالسلام حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد. منزل وی در خیابان امام رضا(ع)، به همت بازماندگانش به حسینیه‌ای بزرگ تبدیل شده و در ایام سوگواری، مجالس باشکوهی در آن برپاست.

43- غروی اصفهانی مهدی (1303-1365ق)

آیه‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی فرزند میرزا اسماعیل در اصفهان زاده شد. مقدمات را نزد پدر و دیگر علمای اصفهان خواند، در 12 سالگی راهی نجف شد و به توصیه‌ی آقا رحیم ارباب در آن‌جا با آیه‌الله سید اسماعیل صدر مرتبط شد و اصول را نزد آخوند خراسانی و فقه را در آستان سید محمد کاظم یزدی فرا گرفت. سیر و سلوک شرعی را از مرحوم صدر آموخت و با مبانی فکری و سلوکی سید احمد کربلایی، شیخ محمد بهاری همدانی آشنا شد. پنج سال در محضر درس میرزای نائینی نشست و در 35 سالگی از وی اجازه‌ی اجتهاد گرفت که مورد تأیید آقا ضیای عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ عبدالکریم یزدی نیز واقع شد. از حدود 30 سالگی، و در پی تحولی روحانی، بر آن شد که میان قرآن و عترت از یک سو و اندیشه‌های بشری از سوی دیگر، تفکیک کند و هر یک را در جای خود مورد بررسی قرار دهد. وی سال 1340 ق به مشهد آمد و در حوزه‌ی علمیه‌ی این شهر به تدریس پرداخت، و با تلاش خود موفق شد که به مکتب معارف اهل بیت علیهم‌السلام در این حوزه رونق روزافزونی بخشد. باور او این بود و برای این مکتب مجاهدت فراوانی کرد که «جز راه اهل بیت (ع) هر مسیر دیگری به گمراهی می‌انجامد و هر کس که هدایت را از غیر آل محمد (ص) بجوید، به آن نخواهد رسید. میرزا مهدی اصفهانی شاگردان بسیاری را بر پایه‌ی این مکتب پرورش داد؛ به گونه‌ای که او و جمع دانش‌آموختگان مکتب فکری‌اش به پیروان مکتب تفکیک شهره شده‌اند و هم اینک در حوزه‌ی فکری تشیع از وزن سنگینی برخوردار هستند. ایشان در روز جمعه 20 ذی‌حجه 1365 ق بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت و و زیر طاق جنوبی رواق دارالضیافه حرم امام رضا(ع) دفن شد.

44- فلسفی تنکابنی - میرزا علی (1299 1384ش)

آیه‌الله میرزا علی آقای فلسفی فرزند آیه‌الله حاج شیخ محمدرضا در تهران زاده شد. مراحل تحصیل ابتدایی را در تهران و در مکتب پدر گذراند و در سال 1324ش برای ادامه‌ی تحصیل راهی نجف شد و از محضر مرحوم حاج شیخ محمد علی کاظمینی بهره برد. اندکی از درس آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرد و سرانجام به مجلس درس آیه‌الله سید ابوالقاسم خوئی رفت و تا پایان زمان اقامت خویش در نجف هیچ گاه حضور در آن را از دست نداد و نخستین اجازه‌نامه‌ی اجتهاد از سوی استاد برای او صادر شد. در سال 1340 راهی ایران شد و در مسجد لرزاده‌ی تهران به اقامه‌ی جماعت و تدریس فقه و اصول پرداخت و ده سال بعد، بنا به درخواست مرحوم آیه‌الله میلانی به مشهد کوچید و با برپایی جلسات درس، تشنگی طلاب این حوزه را فرو نشاند و جان تازه‌ای به کالبد حوزه مشهد دمیده شد. وی هرگز ارتباط مستقیم خود با مردم را رها نکرد و به همین منظور امامت جماعت مسجد بناهای مشهد (مسجد شهدا) و سخنرانی در ماه مبارک رمضان را پذیرفت و در انتخابات نخستین مجلس خبرگان برای تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی از سوی مردم مشهد به نمایندگی برگزیده شد. وی پس از 85 سال زندگی، مقارن اذان ظهر روز تاسوعای سال 1427 ق، برابر با 19 بهمن 1384 ش در مشهد دار فانی را وداع گفت و بیکر پاکش پس از تشییع باشکوه، در رواق دارالسرور حرم مطهر امام هشتم (ع) به خاک سپرده شد.

45- قزوینی مجتبی (1318-1386ق)

وی که فرزند شیخ احمد تنکابنی قزوینی است، از دانشوران وارسته‌ی معاصر و از استوانه‌های مکتب تفکیک به شمار می‌رود. او در قزوین زاده شد و و سال 1330 همراه با پدر به عراق رفت و هفت سال از محضر بزرگانی چون سید محمد کاظم یزدی، میرزا محمد تقی شیرازی و میرزا حسن نائینی بهره برد. پس از بازگشت، دو سال در قزوین ماند و با اندیشه‌های سید موسی زرآبادی آشنا شد و به سیر و سلوک رو آورد. در سال 1339 ق به قم رفت و چندی از محضر شیخ عبدالکریم حائری بهره‌مند بود. با هجرت به مشهد در سال 1341ق، از معارف بزرگانی چون آقابزرگ حکیم، میرزا محمد آقازاده، میرزا مهدی اصفهانی و حاج آقا حسین قمی استفاده کرد و چهل سال در این حوزه به تدریس و پرورش شاگرد پرداخت. بیان الفرقان، در پنج جلد مهم‌ترین اثر اوست که بیانگر ایده‌ها و اندیشه‌های تفکیکی آن مرحوم به شمار می‌رود. وی در روز 22 ذیحجه 1386ق برابر با 14 فروردین 1346ش در مشهد درگذشت و در ضلع غربی صحن عتیق حرم امام رضا(ع) دفن شد.

46- قزوینی - هاشم (1270-1339 ش)

در قزوین به دنیا آمد و مقدمات و بخشی از سطح را، نخست در همان جا و سپس در تهران آموخت و عازم نجف شد و سرانجام به مشهد آمد و از محضر اساتیدی همچون آیه‌الله میرزا محمد آقازاده و میرزا مهدی اصفهانی بهره برد و خود به تدریس پرداخت و به پرورش شاگردانی نامدار دست یازید و تأثیری شگرف بر فضای علمی و معنوی حوزه مشهد نهاد. او نمونه برجسته یک عالم دینی و روحانی اسلامی واقعی بود؛ مردی خردمند، وارسته، متواضع، هوشیار، متعهد، شجاع، روشن‌بین و بیزار از عوام‌فریبی و انحطاط‌پراکنی و ارتجاع‌گرایی بود.

وی در جریان‌های سیاسی خراسان شرکت فعال داشت و در شمار مجتهدانی بود که پیش از واقعه گوه‌رشاد، در منزل مرحوم سید یونس اردبیلی، به رضاخان تلگراف زدند و عمل وی را در زمینه کشف حجاب نکوهیدند؛ به همین دلیل در صبح روز 12 ربیع‌الثانی سال 1314 ش همراه دیگر امضاکنندگان نامه بازداشت شد و شب‌هنگام به تهران انتقال یافت و تا شهریور 1320 اجازه بازگشت به مشهد را پیدا نکرد. با سقوط رضاخان و به اصرار مرحوم میرزا مهدی اصفهانی به مشهد بازگشت و به تدریس پرداخت. و در روز 20 ربیع‌الثانی 1381 ق برابر با 22 مهر 1339 ش در مشهد درگذشت و پیکرش در رواق دارالضیافه حرم مطهر (محل کنونی کفشداری شماره 7) به خاک سپرده شد.

47- قوچانی - ذبیح‌الله (1329-1414 ق)

در روستای خیرآباد مایوان زاده شد و در 13 سالگی برای تحصیل به قوچان رفت و از سال 1345 ق به مشهد آمد و پس از شش سال راه نجف را در پیش گرفت و نزد مرحوم آیه‌الله آقا ضیاء عراقی و آیه‌الله سید محمود شاهرودی و سید ابوالحسن اصفهانی به فراگیری علم پرداخت و پس از 20 سال اقامت در نجف و رسیدن به درجه اجتهاد در سال 1371 ق به قوچان بازگشت. وی در این شهر به نشر و تبلیغ احکام اسلامی و تدریس علوم دینی پرداخت و در یک دهه اقامت خود در قوچان، خدمات فرهنگی و اجتماعی شایانی به مردم این شهر کرد که از جمله باید به مدرسه علوم دینی محمودیه فاروج اشاره داشت. وی در دوران مبارزات اسلامی مردم مشهد، نقش آشکاری داشت و در سحرگاه روز سه‌شنبه 24 اسفند 1372 ش برابر با 3 شوال 1414 ق بر اثر سکنه قلبی درگذشت و پیکرش پس از تشییعی باشکوه در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

48- کفایی - میرزا احمد (1300-1391 ق)

فرزند سوم مرحوم آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و از چهره‌های مطرح خراسان در قرن حاضر است که در شهر نجف زاده شد و پس از کسب مقدمات، کتاب مکاسب را نزد آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و رسائل و کفایه را در محضر برادرش آیه‌الله میرزا محمد آقازاده فرا گرفت و از سال 1319 ق درس خارج فقه و اصول را در مجلس درس پدر حاضر شد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. سال 1329 ق به ایران آمد، و به هنگام درگذشت پدرش که در همان سال رخ داد، در مشهد بود؛ بنابراین به عراق بازگشت و همین سفر سبب شد که در انقلاب مردم عراق بر ضد انگلیس که به رهبری علما و مراجع صورت گرفت، شرکت جوید و در حلقه‌ی مشاوران نزدیک میرزا محمدتقی شیرازی جای گیرد. در شمار تبعیدی‌های عراق، به ایران تبعید شد، اما پس از آزادی نیز به دعوت مردم مشهد، در این شهر سکنی گزید و پس از فوت برادر بزرگش میرزا محمد آقازاده ریاست حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد را بر عهده گرفت. پس از شهریور 1320، و در اوج حضور قشون روس در ایران و فعالیت گروه‌های منحرف، با تشکیل هیأت‌های مذهبی و راه‌اندازی دسته‌های عزاداری و برگزاری مجالس روضه و منبر، توانست در برابر نفوذ اندیشه‌های روسی بایستد. وی در طول حیات خویش علاوه بر تحقیق و تدریس، کوشش داشت که فرهنگ و مبانی دینی تقویت شود و فقر و بینوایی از جامعه‌ی اسلامی رخت برنندد، لذا همواره کوشش داشت که روابط خود را با حاکمیت کشور حفظ کند و به همین دلیل مورد انتقاد و نکوهش برخی از جناح‌های روحانیت بود. در سال 1348 ش برای معالجه به خارج از کشور اعزام شد و در 7 ذیقعه‌ی سال 1350 بر اثر سکنه‌ی مغزی در مشهد درگذشت و جنازه‌اش پس از تشییعی باشکوه در توحیدخانه‌ی حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

49- کفعمی - محمد (1289-1362 ش)

فرزند شیخ رجبعلی محدثی خراسانی است و در محله‌ی عیدگاه مشهد زاده شد. مقدمات را نزد پدر خود و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و دیگران گذراند و در سال 1309 ش راهی نجف شد و در شمار شاگردان حاج میرزا حسن مشکینی و آقا ضیای عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی درآمد و به اجتهاد رسید. سال 1317 ش به مشهد بازگشت و پس از دو سال اقامت در این شهر، رهسپار زابل شد و شش سال در این منطقه‌ی محروم به تبلیغ و ترویج مبانی دینی پرداخت. در سال 1325 عازم زاهدان شد و در آن جا به فعالیت‌های گسترده‌ی مذهبی و خدماتی پرداخت و چندین مدرسه و مسجد و حمام و کتابخانه و غسلخانه و تکیه در شهرهای زاهدان و زابل و ایرانشهر و خاش و چابهار و طبس ساخت و خانه‌اش پناهگاه مردم و روحانیت مبارز بود. وی پس از انقلاب اسلامی به امامت جمعه‌ی آن شهر منصوب شد و در بیستم تیر 1362 در مشهد درگذشت و جنازه‌اش در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا(ع) مقابل آرامگاه شیخ بهائی به خاک سپرده شد.

50 کوهستانی - محمد (م 1351ش)

در روستای کوهستان واقع در شش کیلومتری بهشهر مازندران به دنیا آمد و پس از فراگیری مقدمات و سطوح به مشهد کوچید و از این جا راهی نجف شد و پس از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد به ایران بازگشت و در روستای زادگاه خویش سکونت گزید و در همان به احداث پنج مدرسه‌ی علمیه به نام‌های «فضل«، «رحمت«، «فرح«، «خیر« و «جمع« پرداخت و شاگردان بسیاری را پروراند. وی خود دلیل نامگذاری مدارس یادشده را این گونه گفته است که چون عزم ساختن این مدارس را کرد، از قرآن مدد خواست و این آیه پاسخ او بود: «قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون« (یونس/58).

کرامات بسیاری را به او نسبت داده‌اند که در کتاب‌های شرح زندگی وی آمده است.

آیه‌الله کوهستانی بهشهری در ربیع‌الاول سال 1392 ق پس از چند ماه بیماری درگذشت و جنازه‌اش به مشهد آورده شد و در روز 9 اردیبهشت سال 1351 ش در رواق دارالسیاده‌ی حرم مطهر امام رضا(ع) دفن گردید.

51 مازندرانی - محمد صالح (1297-1391ق)

در کربلا به دنیا آمد سنین جوانی خود را در مازندران گذراند و از محضر پدرش میرزا فضل‌الله حائری مازندرانی بهره‌مند شد و سپس به نجف رفت و سال‌ها درس آخوند خراسانی و میرزا حسین خلیلی و سیدمحمد کاظم یزدی را درک کرد و به اجتهاد رسید.

در شعر و ادب عربی و فارسی دست داشت و کفایة‌الاصول آخوند را به نظم در آورد. سالیانی در مازندران زیست، و واپسین سال‌های عمر خود را در سمنان به تدریس و تحقیق پرداخت و در سال 1391 ق برابر با 1350 ش در همان جا درگذشت و جنازه‌اش به مشهد انتقال یافت و در رواق دارالسیاده‌ی حرم مطهر امام هشتم(ع) به خاک سپرده شد.

52- مجتهد خراسانی - میرزا حبیب‌الله (1266-1327ق)

فرزند میرزا هاشم و نوه‌ی میرزا هدایت‌الله مجتهد است. در شامگاه نهم جمادی‌الاولی سال 1266 ق یعنی روز پیش از پایان فتنه‌ی حسنخان سالار و محمدخان بیگلربیگی در مشهد به دنیا آمد. مقدمات را در مشهد آموخت و آن گاه به نجف رفت و در آن جا با متفکران بغداد و کاظمین هم ارتباط یافت و زبان فرانسه را فرا گرفت و از آموزه‌های عرفانی میرزا مهدی گیلانی (متخلص به خدیو) نیز تأثیر پذیرفت و او را همراه جمعی از دوستانش به مشهد دعوت کرد و در سراچه‌ی بیرونی منزل پدربزرگش سکنی داد و در آن جا کتابخانه و مکانی برای خلوت آنان در نظر گرفت و در پی آن کسانی گرد او آمدند و انجمنی تشکیل شد که به نام اصحاب سراچه شهرت یافت و تلاش‌های آنان بازتاب گسترده‌ای در شهر مشهد پیدا کرد و مخالفت‌هایی را نیز برانگیخت؛ چندان که اصحاب آن پراکنده شدند و میرزا به سامرا رفت و در محضر درس میرزای شیرازی نشست و مورد توجه او قرار گرفت.

وی در سال 1299 ق به مشهد بازگشت و تا 17 سال به تدریس و تبلیغ مشغول بود، با آیین‌ها و رسوم نادرست تعزیه‌ها و انحرافات شبیه‌خوانی‌ها مبارزه می‌کرد و به تعبیر برخی، ریاست خراسان با او بود تا این که در سال 1316 با عارفی به نام سید ابوالقاسم درگزی آشنا شد و چنان از او تأثیر گرفت که ریاست را وانهاد و خلوت گزید و چندی به روستاهای اطراف مشهد کوچید.

در 27 شعبان سال 1327 ق برابر با 1287 ش در منطقه‌ی بحرآباد مشهد در گذشت و پیکرش به حرم مطهر امام رضا(ع) منتقل شد و در بالای صفه‌ی شاه طهماسب در کنار نیای بزرگوارش سید مهدی شهید دفن گردید.

از او دیوان شعر پر و پیمانی به جا مانده است که برخی از اشعار آن بسیار معروف است:

امروز امیر در میخانه تویی تو

فریادرس این دل دیوانه تویی تو

مرغ دل ما را که به کس رام نگردد

آرام تویی، دام تویی، دانه تویی تو

53- مجتهدی - جعفر (1303-1374ش)

در 27 جمادی الثانی 1343 ق برابر با اول بهمن 1303 ش در خانواده‌ای بسیار متدین و مرفه در تبریز زاده شد. از دوران کودکی به دنبال کشف حقایق و اسرار بر آمد و در قبرستان متروکه‌ی شهر گوری فراهم ساخت و شب‌ها را در آن به فکر و ذکر سپری می‌کرد. بخشی از سرمایه‌ی پدری را در راه فراگیری علم کیمیا صرف کرد تا به بینوایان کمک کند، اما ندا شنید که: «جعفر کیمیا! ما اهل بیت هستیم، اگر به دنبال آن هستی قدم بگذار و ثابت باش.« فردای آن روز، با حالی آشفته و پای برهنه، پیاده رهسپار کربلا شد و پس از ورود به خاک عراق برای چندین ماه در بازداشت به سر برد، سپس یک سال در نجف به پینه‌دوزی پرداخت و تمام املاک خود را به مستأجران بخشید و برای تکمیل ریاضت هشت سال در مسجد سهله معتکف شد، سپس هشت سال در کربلا ماند و سراسر شب را در صحن حرم مطهر امام حسین(ع) به عبادت و توسل می‌پرداخت.

در ایام کودتای عبدالکریم قاسم به ایران آمد و شانزده بار با پای پیاده راهی سفر مشهد مقدس شد و بار آخر برای چهار سال در این شهر اقامت گزید و سرانجام در ششم رمضان 1416 ق برابر با ششم بهمن 1374 در مشهد درگذشت و در حجره‌ی 24 صحن آزادی حرم مطهر امام هشتم(ع) دفن شد.

54- مجتهدی سیستانی - سید محمود (1311-1372ش)

در خانواده‌ای متصف به علم و تقوی در مشهد به دنیا آمد. پدرش عالم زاهد مرحوم حاج سید محمد باقر، فرزند علامه‌ی متقی آیه‌الله العظمی حاج سید علی مجتهد سیستانی بود. مقدمات و ادبیات را از محضر ادیب نیشابوری فرا گرفت و سطح را نزد آیات حاج سید احمد مدرس یزدی، حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ مجتبی قزوینی آموخت. درس خارج را در مجلس درس آیه‌الله العظمی میلانی حاضر شد. مدتی برای فراگیری علم به حوزه‌های علمیه‌ی قم و نجف رفت و آخرین بخش حیات خویش را در مشهد گذراند. محافل علمی، و مجالس مذهبی وی در مشهد از شهرت و ویژگی برجسته‌ای برخوردار بود. ایشان سال‌ها در مسجد ولی عصر (عج) واقع در خیابان راهنمایی مشهد به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت. مرحوم آیه‌الله حاج سید محمود مجتهدی، برادر مرجع اعلا‌ی کنونی جهان تشیع حضرت آیه‌الله العظمی سید علی سیستانی، روز یکشنبه 16 رمضان 1414 ق برابر با هشتم اسفند 1372 ش در سن شصت سالگی در مشهد مقدس درگذشت و پیکر مطهرش در جوار بارگاه منور امام رضا (ع) در صحن آزادی، جنب کفشداری شماره‌ی 9 به خاک سپرده شد.

55- مدرس یزدی میرزا احمد (1306-1391ق)

در یزد به دنیا آمد و پس از آموختن مقدمات و سطح، راهی مشهد شد و در محضر درس خارج آیات سید عباس شاهرودی و میرزا محمد آقازاده و حاج آقا حسین قمی شرکت جست و خود سال‌ها به تدریس شرح لمعه و قوانین و مکاسب و کفایه پرداخت. نظم و ترتیب در درس، بی‌آلایشی و فروتنی او سبب شد که صدها فاضل در حلقه‌ی درس او شرکت کنند و از محضر بهره‌گیرند. ایشان در مسجد حاج ملاهاشم اقامه‌ی جماعت می‌کرد و زندگی خود را از محل درآمد مزرعه‌ای که از همسرش در اختیار داشت، می‌گذراند.

وی شب 17 ربیع‌الاول 1391 برابر با 24 اردیبهشت 1350 درگذشت و پیکرش در رواق دارالسیاده‌ی حرم مطهر امام رضا (ع) دفن شد.

56- مدیرشانه‌چی کاظم (1306-1381ش)

در مشهد زاده شد. پدرش از بازرگانان معتبر شهر و مادرش از خاندان علم و فضیلت بود. تحصیل ادبیات عرب را در مدرسه‌ی خیراتخان و از درس شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری و محقق نوقانی آغازید. معالم الاصول را از آیه‌الله مروارید و شرح لمعه و قوانین را از حاج میرزا احمد مدرس یزدی فرا گرفت و رسائل و مکاسب و کفایه و خارج اصول را از آیه‌الله شیخ هاشم قزوینی آموخت. وی ضمن استفاده از محضر میرزا احمد کفایی، چند مبحث فقه و یک دوره کامل اصول را در درس آیه‌الله میلانی شرکت جست و اساتید وی فلسفه، شیخ مجتبی قزوینی، شیخ سیف‌الله ایسی و مرحوم الهی قمشه‌ای بودند.

پس از تأسیس دانشکده‌ی الهیات مشهد در سال 1337، به تدریس فقه و حدیث در آن جا پرداخت و به همین مناسبت کتاب‌های «درایة الحدیث«، «علم الحدیث«، و «تاریخ حدیث« را نگاشت.

کتاب‌های «مزارات خراسان«، «تاریخچه ادوار منطق«، «تاریخ فقه مذهب اسلامی«، «آیات الاحکام«، «روش استنباط«، «چهل حدیث امام رضا علیه السلام«، تصحیح نسخه «صحیفه سجادیه«، و سرپرستی محققان در تحقیق و تصحیح و تألیف کتاب‌های «هدایة الامه«، «الحکم من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)«، «سنن النبی (ص)«، و «الانوار البهیة«، و.. بخشی از آثار مکتوب آن استاد فرزانه است.

وی از منش اخلاقی درخشانی برخوردار بود و آرامش نمایانی بر روح و روانش سایه انداخته بود و دریای سراسر گوهر وجودش در برابر توفان‌ها، به تلاطم نمی‌افتاد.

در نیمروز 23 اردیبهشت 1381، برابر با آخر صفر 1423 در مشهد درگذشت و پیکر پاکش در غرفه 25 صحن آزادی حرم مطهر امام هشتم (ع) به خاک سپرده شد.